



دفتر نشر و مکتوب‌های مجلس شورای اسلامی
در آموخته‌ها و آوازه‌ها

زن در اسلام، رکن هسته خانوادگی توحیدی

اسماء حمیدان پور^۱

طاهره سادات طباطبایی امین^۲

تاریخ دریافت ۹۶/۱۰/۲۷

تاریخ پذیرش ۹۷/۱۲/۱۵

صص ۷۳-۵۵

چکیده

حق تعالی جلوه‌ای از جمال خود را در زن به تجلی آورده است. او در تعیین سرنوشت جامعه، نقش اساسی دارد و هرگونه منشی که داشته باشد، تأثیر ماندگار بر فرزندان و همسرش خواهد گذاشت. برخلاف تعریفی که فرهنگ ظلمانی مدرنیته از زن و نقش او ارائه کرده و اینکه جایگاه مهمی را که زن باید در نظام هستی باید داشته باشد نادیده گرفته، زن مسلمان خود را فانی در هسته توحیدی خانواده می‌بیند و با انجام تکالیف و از خودگذشتگی و پاسخ به تمنیات همسر و فرزندان، هویت خود را در آن جست‌وجو می‌نماید. محبوب شدن خدمت زن به خانواده در برابر کسب درآمد اقتصادی از شاخصه‌های فرهنگ غربی است. گمشده‌ی جهان معاصر خانوادگی توحیدی است و عامل برپاداشتن آن، داشتن روح بندگی است. در خانوادگی توحیدی خداست که حاکم است و این رمز سکنی یافتن اعضای آن است.

کلید واژه‌ها: زن، مرد، خانوادگی توحیدی، قدرت، مدرنیته، سرمایه‌داری.

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد تفسیر قرآن دانشکده علوم و فنون قرآن تهران asv.arsh@yahoo.com

^۲ استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم tabatabaei.amin@gmail.com



هدف از ایجاد و خلقت انسان، رسیدن به کمال است و هر موجودی برای رسیدن به کمال مسیر خاص خود را طی می‌کند تا به لقاءالله برسد. انسان، دو جنس زن و مرد دارد که هر دو در طی این مسیر یکسان هستند ولی به علت تفاوتی که در بعد جسمی و جنسی دارند، مسیر کمال آنان در بعضی موارد یکسان نیست، و این موضوع نیاز به بررسی دارد.

در شرایط دوران جدید، باید تعریف درستی از زن وجود داشته باشد تا تعریف فرهنگ مدرنیته از زن، بر او غالب نشود. باید دید فرهنگ تاریک مدرنیته برای خانواده چه مشکلاتی ایجاد کرده است و احیاء کردن خانواده از چه طریق می‌تواند منجر به عبور از آن و بازگرداندن آموزه‌های فطری به خانواده شود و دین اسلام چه سبکی در زندگی را برای تشکیل یک خانواده‌ی توحیدی پیشنهاد داده است.

در نگاه فمینیستی به زن، کسب «قدرت» در جامعه جایگزین زیبایی «خدمت» در خانواده شده است. چنانکه که در مقاله "زن، قدرت و خانواده" نیز اشتغال زنان، به عنوان یکی از عوامل موثر در ارتقاء جایگاه زنان در هرم قدرت در خانواده عنوان شده است. (باقر ساروخانی، زن، قدرت و خانواده، مجله "زن در توسعه و سیاست"، شماره ۱۲، از صفحه ۲۹ تا ۵۰). این نکته از نکات دقیقی است که باید به آن پرداخته شود و نقطه نظر مخالف با آن بررسی شود.

در این پژوهش نگارنده با استفاده از روش بنیادی کتابخانه‌ای به تحلیل و بررسی ماهیت زن در خانواده‌ی توحیدی پرداخته و چگونگی حضور او در جایگاه حقیقی خود را با توجه به قرآن و روایات مورد مطالعه قرار داده است و به دنبال پاسخ دادن به پرسش‌های زیر است: ماهیت زن چیست؟ مدرنیته و دنیای جدید چه اثری بر روی زن و خانواده داشته است؟ از نظر اسلام زن چه



دفتر مشاوران پژوهشی و آموزشی در آموزه‌های قرآن و حدیث

جایگاهی در خانواده دارد؟ اشتغال و کسب درآمد اقتصادی برای زن قدرت و ارزش به حساب می‌آید یا خدمت در خانواده؟ زن و مرد چگونه می‌توانند در شکل‌گیری یک خانوادگی توحیدی اثرگذار باشند؟

۱. هویت زن

فرهنگ مدرنیته، عالم جدیدی را برای انسان معاصر پدید آورده که در ظلمات آن همه چیز گم شده است. در دنیای جدید، انسان تعریف دیگری از خود دارد و به تبع آن زن نیز معنی دیگری به خود گرفته که اگر زمینه‌ی مناسبی برای ارتباط با او فراهم نشود؛ با نگاه‌های گذشته باقی نمی‌ماند و موجب بحران خانواده و جامعه می‌شود، و این در حالی است که پیامبر ﷺ فرموده‌اند: "الجنّة تحت اقدام الأمّهات" (قضای، ۱۳۶۱: ۶۱) [بهشت زیر پای مادران است] و اگر مادران جامعه درست عمل نکنند؛ جامعه به جهنمی تبدیل می‌شود که نه مرد می‌تواند به غایت خلقت خود برسد و نه زن.

ریشه‌ی فروریختن خانواده در دوره‌ی مدرنیته را باید در امانیسم یا خودبنیادی بشر جستجو کرد. اگر انسان افق وجودی خود را درست نشناسد جایگاه دستورات الهی را در رابطه با حقوق زن و مرد نمی‌شناسد و نگاه درستی به ماهیت زن ندارد.

زن در نگاه قرآن در بعد روحی و جسمی از همان گوهری آفریده شده که مرد آفریده شده است و هر دو جنس در گوهر و ماهیت یکسانند. قرآن می‌فرماید: "يَأَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ بَثَّ مِنْهَا رِجَالًا كَثِيرًا وَ نِسَاءً" (نساء/۱) [ای مردم! از (مخالفت) پروردگارتان بپرهیزید! همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید؛ و همسر او را (نیز) از جنس او خلق کرد؛ و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت] ولی در عین حال هر موجودی مظهر نامی از نام‌های الهی است؛ زیرا خلقت که از اوصاف فعلی



دفتر مطبوعاتی مجلس شورای اسلامی
دولت‌خانه، تهران، آذرماه ۱۳۸۷

خداوند است عبارت است از تجلی خالق در چهره مخلوق های گوناگون (جوادی آملی: ۱۳۸۷، ۲۱). ماهیت زنان بر اساس لطافت و ظرافت خاصی نهاده شده است که این موضوع هماهنگ با منزلت او و مسئولیت‌هایی است که از وی انتظار می‌رود. لطافت زنان کانون مهر و محبت است این خود نوعی نگرش مثبت و ارزشی، نسبت به مقام زن است (مکارم شیرازی: ۱۳۷۴، ۳۵۳).

زن در اسلام موجودی نقش‌آفرین است. در صورتی که به جایگاه توحیدی و حقیقی خود دست یابد می‌تواند در دامن خود انسان‌هایی (همسر و فرزندان) را پروراند که شایستگی خلیفه الله شدن را داشته باشند و این هدف رسالت پیامبران است. "زنها مردان شجاع را در دامن خود بزرگ می‌کنند. قرآن کریم انسان ساز است، و زنها نیز انسان سازند. وظیفه زنها انسان سازی است. اگر زهای انسان ساز از ملتها گرفته بشود، ملتها به شکست و انحطاط مبدل خواهند شد، شکست خواهند خورد. (صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۲۵۳)

۲. زن و سازگاری

در یک زندگی سالم اسلامی، تمنا از طرف مرد و پذیرش تمنا از طرف زن مطرح است. برای تشکیل خانواده هرکدام از زن و مرد، وجوهی از ابعاد شخصیت خود را در راستای احیاء خانواده از فردیت خارج می‌کنند و غرق جنبه اجتماعی خانواده می‌نمایند. اگر زن و مرد آن جنبه‌ی فردیت خود را که در مقابل خانواده باید نفی شود، نفی نکردند، کارشان به مقابله با همدیگر می‌انجامد. دیگر نه کار زن، پذیرش تمنای مرد خواهد بود و نه مرد، نسبت به آن زن و خانواده احساس مسئولیت می‌کند، و ناخواسته کانون ارتباط آن دو به عنوان اعضاء خانواده ویران می‌شود. خود گمشده‌ی انسان در قبول تمناهای همسرش پیدا می‌شود، البته باید تاکید کرد که چون موضوع بحث ما زن است این موضوع را بیشتر از منظر او بررسی خواهیم کرد.



دفتر مشاوران پژوهشی و آموزشی مجلس شورای اسلامی

وفق دادن خود با همسر یکی از راه‌هایی است که می‌تواند در ایجاد همدلی و درک متقابل و همیشگی زن و شوهر کارساز باشد (پیرو، ۱۳۹۳: ۲۷۲).

اگر زن هویت گم شده خود را در پذیرش تمناهای مرد پیدا کند و مرد را در این پذیرش تمنا کمک کند تا بتواند مسئولیت اداره خانواده را، که کُلش به عهده‌ی مرد است، خوب انجام دهد، این زن در این شرایط به یک موفقیت بزرگ دست پیدا کرده است. وقتی انسان به جای خدا، محور شد و «من»‌های زن و مرد به میدان آمد در این حالت هیچ وقت کانون خانواده به طور واقعی شکل نمی‌گیرد. چون بالأخره یک نفر باید مسئولیت کلی خانواده را بر اساس اصولی که شریعت تعریف کرده است به عهده بگیرد و دیگری جهت موفقیت آن مدیریت، باز بر اساس اصولی که شریعت تعریف کرده، ظرائفی را که در توان دارد به‌کار بندد تا آن خانواده به عنوان یک واحد توحیدی شکل بگیرد و جلو رود (طاهرزاده، ۱۳۸۷: ۳۲).

در فرهنگ غربی به اسم احقاق حقوق زن و جنبش فمینیسم، منیت زنان بزرگ شده است و آنان را از هویت حقیقی خود محروم کردند و دشمن واقعی روحیه مادری و ایثار زنان شدند و در نتیجه خانواده از داشتن محیطی گرم که فقط با ایثارگری زنان بدان دست می‌یافت، محروم شد.

اگر در خانواده دو من پیدا شد و هر دو همسر خواستند رئیس باشند، دو رقیب می‌شوند روبه روی هم. اما وقتی مرد احساس کرد تلاش‌های روزانه‌ی او در خانه به ثمر می‌نشیند و زن خانه نه تنها مانع و رقیب مسئولیت او در خانه نیست بلکه یار و همراه اوست، با تمام امید کار می‌کند تا این خانه سر پا بماند. ولی اگر چنین برداشتی نداشت، احساس می‌کند مثل حمال‌ها دارد بیگاری می‌کشد و خود را مجبور به این بیگاری می‌بیند. اگر تحلیل زن در زندگی چنین شد، او نیز خود را کلفت همسر و فرزندانش حس می‌کند و خود را شکست خورده می‌بیند. در حالی که زن وقتی در



دفتر مطبوعاتی مجلس شورای اسلامی
دوستان عزیزان! در آموزه‌های قرآن و سنت

وجود اصیل خود قرار داشته باشد، به چیزی ماوراء این نظر می‌کند، و جاروب کردن و تیمار کردن فرزندان را عین زندگی می‌بیند.

ازواج یک امر مقدس و عبادت تلقی شده چون اولین قدمیست که انسان از خودپرستی و خود دوستی به سوی غیر دوستی برمی‌دارد. موجود دیگری کنار من قرار می‌گیرد و برای او معنی پیدا می‌کند، با عشق برای او کار می‌کند، زحمت می‌کشد، خدمت می‌کند (مطهری، ۱۳۸۵: ۲۶۶).

بارش باران و برف یک‌طرفه است، تابش نور یک‌طرفه است، رویش یک‌طرفه است، ابراز وجود نیز یک‌طرفه است و مهر و محبت هم که سرچشمه‌ی هر رفتاری است جوشی یک‌طرفه است. انسان باید رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ باشد. هیچ زن و مردی در ابراز محبت و عقلانیت و انصاف و توانایی‌های فردی خود و در مقابل انجام وظایف الهی خود نباید از دیگری اجر و تشکر بخواهد. این یعنی اینکه از هیچ‌کس توقع نداشته باشد و این بی‌توقعی مومنانه همان اخلاص در عمل است.

زن چهره‌ی اسم رحمت حق است و رحمت حق همیشه واسعه است، همین‌که شما از خدا چیزی بخواهید او جواب می‌دهد. اگر زن متوجه باشد که مظهر چنین اسمی است و خداوند از طریق اسم رحمان با او مرتبط است، بر اساس همان صفت با همسر و فرزندانش برخورد می‌کند و جنبه رحمانی خود را تقویت می‌نماید و به راحتی آماده پذیرش تمنای مرد می‌باشد. رحمانی بودن خداوند به این معناست که خداوند تقاضای بندگانش را رد نمی‌کند، مظهر این اسم به نحو خاص، زنان هستند که اگر شرایط طبیعی خود را حفظ کنند، روحیه‌ی خدمت بر قلب و روان آن‌ها غلبه پیدا می‌کند و در این رابطه بیشتر احساس بقاء و وجود در خود می‌کنند، رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ بودن با تکبر نمی‌خواند. تکبر یعنی حذف طرف مقابل و امکان بروز را از او سلب کردن، در صورتی که زنان در جان خود طالب ایجاد شرایطی هستند که زمینه بروز دیگران فراهم گردد، هویت زن،



دوستان! پژوهشگران در آموزه‌های قرآن و سنت

حفظ این روحیه است و با پذیرفتن تقاضاهای منطقی همسرش جنبه‌های بالقوه این روحیه بالفعل می‌گردد و به عنوان یک سرمایه‌ی قابل پسند در جان زنان نهادینه می‌شود (طاهرزاده، ۱۳۸۷: ۴۳).

۳. زن و وظیفه‌ی شوهرداری

شوهرداری یعنی مواظبت و نگاه‌داری از شوهر؛ که نیازمند کاردانی، ذوق، سلیقه و زیرکی مخصوصی است. باید دل همسر را به دست آورد، مواظب اخلاق و رفتارش باشد، به کارهای نیک تشویقش کند، او را از کارهای بد منع کند، مواظب بهداشت و سلامتی و تغذیه‌ی او باشد و سعی کند از او انسانی آبرومند، محبوب و مهربان بسازد تا برای خانواده‌اش بهترین سرپرست و برای فرزندانش بهترین پدر و مربی باشد (امینی، ۱۳۸۸: ۲۶).

امام علی علیه السلام می‌فرمایند: "عُقُولُ النِّسَاءِ فِي جَمَالِهِنَّ وَ جَمَالُ الرَّجَالِ فِي عُقُولِهِمْ" (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۲۲۸) یعنی زن موظف است یا می‌تواند عقل و اندیشه‌ی انسانی خود را در ظرافت عاطفه و زیبایی گفتار و رفتار و کیفیت محاوره و مناظره و چگونگی برخورد و حکایت و ... ارائه دهد؛ چنانکه مرد موظف است و می‌تواند خود را در اندیشه‌ی انسانی و تفکر عقلانی خود آشکار کند (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۳۳). اگر زن بدینگونه زندگی کند نتایج خوبی را مشاهده خواهد کرد.

امام علی علیه السلام می‌فرمایند: "جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ" (کلینی، ۱۴۰۷: ۹/۵) [جهاد زن خوب شوهرداری کردن است]. زن وظایفی دارد که عاقلانه باید آن را تشخیص دهد. او باید بداند اگر عقل و هوشمندی به خرج دهد، مرد را اداره خواهد کرد. درست است که مرد از لحاظ هیكل قوی‌تر است، اما خدای متعال طبیعت زن را طوری آفریده که کسی که در دیگری بیشتر نفوذ دارد، زن است (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸: ۲۸).



دوفصلنامه پژوهش‌های حقوقی در آموزه‌های قرآن و حدیث
۴. زن و اطاعت از همسر

در راستای مسئولیت کلی مرد، شریعت می‌فرماید: خروج زن از خانه باید به اذن و اجازه شوهرش باشد و زن هم به جهت بندگی خدا، از شوهرش اجازه می‌گیرد، نه به جهت فربه کردن من شوهر، چون هر دو بر اساس اصول شریعت الهی عمل می‌کنند و در مقابل خدا هیچ‌اند. بحث فربه کردن «من» مرد مطرح نیست، بحث احترام به مسئولیتی است که خداوند به عهده مرد گذاشته است. توصیه‌ای که دین به زنان می‌کند این است که حرف همسران خود را بشنویند ولی برای خدا. وقتی روشن شد به خاطر حکم خدا حرف او را می‌شنوید دیگر «من» همسران فربه نمی‌شود بلکه مسئولیت او بیشتر می‌گردد. اختلاف و دوگانگی وقتی است که هر کدام یک من جداگانه داشته باشند. نه آن‌که هر کدام من خود را در وظایف شرعیه ذوب کرده باشند. وقتی من وسط باشد آن که قدرتش بیشتر است حاکم می‌شود و آن که ضعیف‌تر است محکوم می‌گردد (طاهرزاده، ۱۳۸۷: ۳۲).

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: "لو كنت أمرا أحدا أن يسجد لأحد لأمرت النساء أن يسجدن لأزواجهن لما جعل الله لهم عليهن من الحق" (پاینده ۱۳۶۳: ۶۵۱) [اگر به کسی دستور می‌دادم کسی را سجده کند به زنان دستور می‌دادم به شوهران خویش سجده کنند، از بس که خدا برای شوهران حق به گردن زنان نهاده است].

در این جا سجده کردن، منظور سجده به مرد نیست بلکه سجده به مدیریتی است که با پذیرفتن آن، خودش را در هستی توحیدی خانه فانی کرده، و عملاً این نوع سجده یک نوع احیای حیات معنوی است و سیر به سوی حیات طیب است. در چنین فضایی است که رسول خدا ﷺ می‌فرماید: "مهنة إحدانك في بيتها تدرک جهاد المجاهدین إن شاء الله" (پاینده ۱۳۶۳: ۷۴۷) [ای



دفتر مطبوعاتی مجلس شورای اسلامی
موسسه پژوهشی و فرهنگی مجلس شورای اسلامی

زنان! هر یک از شما با اشتغال در خانه خویش اگر خدا خواهد ثواب مجاهدان خواهد یافت. چون در فضای خانه‌ی توحید راه انسان به سوی آسمان معنویت به خوبی گشوده شده است.

وصول به مقام قرب الهی، تنها در سایه‌ی انجام وظیفه، امکان‌پذیر است. هر که می‌خواهد به اوج سعادت و کمال خویش در دنیا و آخرت نایل آید، باید بنگرد که خداوند از او چه خواسته است (مصباح یزدی، ۱۳۸۱: ۱۳۱). قوام بودن مرد و ریحانه بودن زن نه جسارت به زن است نه جسارت به مرد. نه نادیده گرفتن حق زن است و نه نادیده گرفتن حق مرد. بلکه درست دیدن طبیعت آنهاست. ترازوی آنها هم اتفاقاً برابر است؛ یعنی وقتی جنس لطیف و زیبا و عامل آرامش و آرایش معنوی محیط زندگی را در یک کفه می‌گذاریم، و مدیریت و کارکرد و محل اعتماد بودن و تکیه‌گاه بودن برای زن را هم در کفه‌ی دیگر ترازو می‌گذاریم، این دو کفه با هم برابر می‌شوند. نه آن بر این ترجیح دارد و نه این بر آن (آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸: ۲۴).

۵. زن محبوب دل مرد

در نتیجه این نوع بینش، فروتنی و تواضع زن کاری می‌کند که مرد، تمام دل و جان خود را به پای همسرش بریزد و عملاً روحش در برابر او خاضع شود، اگرچه در هر صورت، زن مطیع مرد است.

هنگامی که زن آداب همسرمداری اسلامی را به خوبی رعایت کند، چنان محبوب دل مرد می‌شود که در حقیقت، او مالک می‌شود و مرد مملوک. یعنی اگرچه اعتباراً مرد، مالک و مدیر است، اما در عمل چون زن، دل مرد را خریده، روح او را در اختیار دارد و از آنجا که این تصاحب دل، در جهت الهی است و بر اساس آداب و روش‌های دینی و معنوی حاصل شده است، مرد را رشد می‌دهد و بالا می‌برد. خود زن نیز با مطلوب شدن، ارضا شده و روحش غنی می‌شود و با رشد دادن مرد، در مسیر رشد خود بیشتر پیش می‌رود. مسلماً چنین غنای روحی، از زن و مرد به



دفتر مطالعات فقهی و حقوقی در آموزه‌ها و آداب سنت

فرزندشان و از خانواده به اجتماع هم منتقل می‌شود و در نتیجه کل جامعه در جهت تکامل پیش می‌رود (میرزایی (لطفی آذر)، ۱۳۹۰: ۹۸).

آیت الله جوادی آملی در کتاب "زن در آئینه جلال و جمال" از جناب محی‌الدین آورده: هر مظهری که بیشتر جامع اسماء و صفات الهی باشد، بهتر خدا را نشان می‌دهد و زن در مظهریت خدا کامل‌تر از مرد است. زیرا مرد فقط مظهر قبول و انفعال است چون مخلوق حق است، اما زن هم مظهر قبول و انفعال الهی است، هم مظهر فعل و تاثیر الهی؛ چون در مرد تصرف می‌کند و او را مجذوب و محب خود می‌سازد؛ و این تصرف و تاثیر، نموداری از فاعلیت خداست و از این جهت، زن کامل‌تر از مرد است (قیصری، ۱۴۱۶ ق: ۴۷۷).

۶. زن و ارزشمند بودن خدمت در خانواده در مقابل ارزش کسب توانایی اقتصادی

جنبش فمینیسم در سراسر جهان، با ترندهای گوناگون توانسته است زنان را از وظیفه اصلی خود یعنی مادری کردن و ایجاد تعادل و آرامش محیط خانواده جدا کرده و به کارهای ظاهراً مهم و در واقع نمایشی بگمارد. زنان در چنین شرایطی با فشار روحی و جسمی در خدمت پرکردن جیب‌های سرمایه‌داران قرار گرفتند.

سرمایه‌داران غربی متوجه شدند که در غرب نهضتی توسط زنان برای نجات خود از دست نظام سرمایه‌داری در حال شکل‌گیری است، زیرا انقلاب صنعتی با انگیزه استثمار کارگران به خصوص کارگران زن صورت گرفت، به این صورت که نظام سرمایه‌داری با هدف داشتن کارخانه‌های بزرگ طالب کارگرانی بود که دست‌مزد بسیار کمی داشته باشند و زنان جهت این امر بیشتر مورد هدف بودند و بر اساس همین نقشه شعار آزادی زنان را سر دادند، ولی قصد آن‌ها آزادی زنان از نظام خانواده بود تا آزاد از امر و نهی شوهرانشان بتوانند در اختیار برنامه سرمایه‌داران قرار گیرند.



دفتر مطالعات و پژوهش‌های حقوقی و اجتماعی
در آسوزده آوان سنه

پس از دویست سال ظلم و استثمار، همان فرهنگ سرمایه‌داری متوجه خود آگاهی زنان غربی شد که بنا دارند خود را از بند سرمایه‌داران آزاد کنند پس به اسم احیاء حقوق زنان فرهنگ شهوت‌زدگی نهادینه شد، به طوری که امروزه شعار آزادی زنان مساوی با آزادی زنان در بی‌بند و باری است. و این در حالی است که بقای اسلام در جامعه‌ی اسلامی به حفظ خانواده است، به آن روشی که اسلام مطرح کرده.

روژه‌گاردی می‌گوید: "در نظام سرمایه‌داری نه تنها کار زنان در خانه جزء تولید ناخالص ملی به حساب نمی‌آید، حتی وقتی زنان از کار بی‌مزد خانه فارغ می‌شوند و مایل به انجام کار در خارج از خانه هستند در اکثر موارد کم‌درآمدترین و بی‌کیفیت‌ترین کارها به آنان واگذار می‌شود. در فرانسه کمتر از ۴٪ رؤسای مؤسسات زن هستند، در عوض ۷۰٪ کارمندان ادارات و ۸۰٪ پرسنل خدماتی را زنان تشکیل می‌دهند. در مجموع مزد زنان ۳۰٪ کمتر از مزد مردان است" (گارودی، ۱۳۷۹: ۱۸). زنان ما نباید بر خلاف فرهنگ اصیل ملی و دینی خود، در مسائل فرهنگی از فرهنگ غرب الگو بگیرند و به جای الگو قرار دادن بزرگان دین و ادب و فرهنگ خود که بیش از هر چیز در عرصه‌ی تربیت فرزند و همدلی با شوهر خود و حفظ امنیت و ثبات و آرامش روانی خانوادگی تلاش می‌کردند، ارزش‌ها را با توانایی اقتصادی برابر بگیرند.

زن‌هایی که شاغلند بیشتر از مردها زیر فشار کار هستند زیرا فشار ناشی از کار بیرون بار آن‌ها را دو برابر کرده است. سر کار باید به اندازه‌ای که می‌توانند زحمت بکشند اما در مراجعت به خانه هم باید تحت تاثیر غریزه همچنان از خود مایه بگذارند. برای زن دشوار است که وقتی به خانه می‌آید مسایل کاری روزانه‌اش را فراموش کند. برای او دشوار است که در منزل آرام بگیرد زیرا او اینگونه برنامه‌ریزی شده است: "آشپزی بیشتر، نظافت بیشتر، مهر و محبت بیشتر، از خود گذشتگی



دفتر مشاوران و پژوهشگران در آموزه‌ها و آداب سنت

بیشتر، مراقبت بیشتر، فداکاری بیشتر، کار بیشتر". کارهایی که زمانی تمام لحظات روز یک زن را پر می‌کرد، اکنون باید در ظرف چند ساعت انجام شود (گری، ۱۳۸۱: ۲۲).

خداوند در قرآن در مورد خانواده و تعریف صحیح آن و این‌که جایگاه زن و مرد در خانواده جایگاه خاصی است، می‌فرماید: "وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ" (نساء ۳۲) [و نعمت‌ها و مال و ثروتی که خدا به سبب آن برخی از شما را بر برخی برتری داده آرزو مکنید. برای مردان از آنچه کسب کرده‌اند بهره‌ای است، و برای زنان هم از آنچه کسب کرده‌اند بهره‌ای است. و از بخشش خدا بخواهید، یقیناً خدا همواره به همه چیز داناست].

مرد در مرد بودنش اگر فعالیت کند در همان راستا نتایجی به‌دست می‌آورد و از زندگی بهره‌اش همانی است که بر اساس تلاش به‌دست می‌آورد. زن هم در زن بودنش اگر تحرک و تلاش بکند در همان راستا از زن بودنش بهره‌ی لازم را می‌برد. خداوند کمالاتی به مرد داده است که مرد از طریق همین کمالات می‌تواند از زندگی‌اش نتیجه بگیرد. یک کمالاتی را هم به زن داده است که او هم از همان طریق می‌تواند کمالات مخصوص به خودش را به‌دست آورد (طاهرزاده، ۱۳۸۷: ۶۲).

"إِنَّ الْمَرْأَةَ رِيْحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانٍ" [زن گلی خوش‌بوست، نه یک قهرمان] (نهج البلاغه، ۱۴۱۴: ۴۰۵). وقتی یک سازمان بخواهد اداره شود باید کارها تقسیم شود، در این راستا کارها باید بر اساس استعدادهای افراد تقسیم شود تا هر کس در انجام وظایف خود احساس آرامش کند. قرآن فرموده: "الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ" (نساء ۳۴) [مردان، سرپرست و نگهبان زنانند، بخاطر برتری‌هایی که خداوند برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است، به جهت آن‌که مردان از مال خود برای زنان خرج می‌کنند]. یعنی بر



دفتر مشاوران پژوهشی و آموزشی در امور اسلامی و قضایی

اساس آن که به هر کدام برتری‌هایی دادیم، در همان راستا و به جهت آن که مردان مسئول امور اقتصادی خانه‌اند، مسئولیت خانه به عهده‌ی مردان است. چون زنان مسئول تربیت روحی خانواده-اند باید گرفتار مسائل اقتصادی نباشند تا بتوانند با روحی آرام و وظیفه خود را انجام دهند. در ادامه آیه می‌فرماید: "فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ" (نساء ۳۴) [پس زنان شایسته و درست کار فرمانبردارند و در برابر حقوقی که خدا نهاده است، در غیاب شوهر [حقوق و اسرار و اموال او را] حفظ می‌کنند]. یعنی بعد از این که فرمود مردان قوام زنان هستند، زنان مؤمنه را مطرح فرمود تا ارزش آن‌ها را در حقیقت بندگی نشان دهد. برای مردان فرمود: "بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ" و برای زنان در آخر آیه اخیر فرمود: "بِمَا حَفِظَ اللَّهُ" به خاطر آن که خداوند با مسئولیتی که بر عهده مردان گذارده حقوق زنان را حفظ کرده است. وقتی ما آیات ۳۲ و ۳۵ سوره نساء را کنار بگذاریم دیگر جایگاه زن گم می‌شود وقتی اقتصاد بازار بر اقتصاد پایه برتری پیدا کرد اعتبار و موقعیت زن در تمام سطوح زندگی اجتماعی خدشه‌دار می‌شود. در درون خانه «خدمت» حاکم است و نه «قدرت» و اگر قدرت ملاک ارزش‌ها شد دیگر خانه و خانواده معنی خود را از دست می‌دهد. مادر ایثارگر در مقابل خدمت شبانه روزی خود پولی دریافت نمی‌کند، این درحالی است که در منظر نظام سرمایه‌داری، همه‌چیز با پول ارزش‌گذاری می‌شود. اگر ارزش‌ها را پول تعیین کند ظرائف بسیار مهمی که از وجود هوا برای حیات ما مهم‌تر است، مورد غفلت قرار می‌گیرد و اگر ارزش زنان هم به پول شد، مردها می‌توانند پول‌دارتر باشند پس با ارزش‌ترند و لذا ارزش‌های مردانه ملاک ارزیابی زنان قرار می‌گیرد (طاهرزاده، ۱۳۸۷: ۷۵).

از نظر اسلام بودجه‌ی زندگی زن بر عهده‌ی مرد است و مرد هیچ گونه تسلط اقتصادی و حق بهره‌برداری از نیرو و کار زن ندارد (مطهری، ۱۳۸۸: ۲۰۷).



دفتر مشاوران و پژوهشگران در آموزه‌های قرآن و حدیث

آنچه بیش از هرگونه حقوق و مزایای اجتماعی و ارزش‌های مادی و عادی حرمت دارد، آن است که زن در عین فراگیری علوم و فنون سودمند اسلامی، پرورش نسل آینده و انسان‌های واقعی و امت اسلامی، مدیریت داخلی خانواده که رکن اصیل جامعه‌ی اسلامی است را به عهده دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۳۲۳).

از طرفی باید ذکر کرد که اسلام نگاهی دو سویه به زن دارد و او می‌تواند در صحنه‌های اجتماعی و فرهنگی مناسب که با وظایف خانوادگی او و همسررداری وی در تضاد نیست حضور یابد.

۷. زن در خانواده ی توحیدی

ریشه‌ی فروریختن خانواده در دنیای مدرن و در فرهنگ مدرنیته را باید در اومانیسم یعنی اصالت بشر و خودبنیادی او دانست که عبارت است از اصالت دادن به نفس اماره، در مقابل اصالت دادن به بندگی خدا. این فرهنگ بشر را به‌جای خدا، ملاک همه‌ی بدی‌ها و خوبی‌ها می‌داند و «بد» چیزی است که بشر نخواهد، و «خوب» چیزی است که بشر بخواهد.

از دیدگاه فمینیسم، نقش جنسیتی، یکی نقش مادری و دیگری نقش همسری است، و چون زنان این دو نقش را پذیرفته‌اند مورد ظلم قرار گرفتند و فمینیسم از این طریق موجب بحران خانواده شد و به تبع آن عامل اضمحلال اخلاق و رشد فحشاء گشت، درحالی که خانواده بهترین شرایط برای تعالی روح زن بود و با ساختار جسمانی زن بیشتر هم‌خوانی داشت.

"وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ" (روم ۲۱) [و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای



دفتر مطبوعاتی مجلس شورای اسلامی
آموزه‌ها و آداب آن سنت

شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید، و در میانتان مودت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند.]

خانواده مرکب از اجزای پراکنده‌ای که در کنار هم آمده باشند نیست، بلکه جمع یگانه‌ای است برای زندگی و پایداری در زیر پرتو مودت و رحمت حق. یعنی جمعی که امکان پرورش خود را همواره در چشمه‌سار آرامش جستجو می‌کنند و مسلم با پذیرش تمدن غربی یا اومانیسیم که ناخودآگاه در روح و روان افراد غیر موحد جریان می‌یابد، خانواده باقی نمی‌ماند.

اولین نتیجه ازدواج این است که انسان، دیگر برای «خود»ش نیست. با ازدواج، یک هسته توحیدی تشکیل می‌شود که هر عضوی فانی در آن هسته است و هویت خود را در هویت هسته توحیدی خانواده می‌جوید. «خانواده» به معنای حقیقی‌اش عین توحید است، همان‌طور که صفات الهی در ذات حضرت حق فانی است و کثرت صفات، او را از مقام وحدانی خارج نمی‌کند، یا همان‌طور که انسان موحد با ظهور نور احدی از خود چیزی نمی‌بیند؛ توحید خانواده نیز یعنی نفی فردیت فرد در جمع. انسان در مقابل حضرت رب العالمین خودی ندارد. استغراق در حاکمیت حکم خدا را «توحید» می‌گویند، چون در آن حالت انسان از خود، فانی و به حق باقی می‌شود. خانواده هم به عنوان یک واحد توحیدی، ابتدا فردیت فرد را در خود فانی می‌کند، سپس شخصیت جمعی مخصوص آن خانواده را در او احیاء می‌نماید، نظیر وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت (طاهرزاده، ۱۳۸۷: ۲۳۱).

نکاح در همه‌ی وجود، سریان دارد، این سریان به واسطه‌ی حرکت قدسی و حبی در مراتب کلی وجود است (حسن زاده آملی، ۱۳۹۰: ۳۹).

شرایطی که خداوند طبق آیه‌ی که ذکر شد بین دو همسر ایجاد می‌کند طوری است که هر یک از آن‌ها دغدغه‌ی کمال دیگری را دارد و به توحیدی شدن خانواده می‌اندیشند. در یک خانواده



دفتر مطبوعاتی مجلس شورای اسلامی
آموزه‌ها و آداب آن سنت

سالم، اگر آدم چشمش باز باشد و به این امر دقت کند، می‌بیند که چه زن و چه مرد هرکدام به نوبه خود شدیداً برای استوانه‌ی خانواده دل می‌سوزانند و ایثار می‌کنند، سعی در نفی خودخواهی‌های خود دارند و هزاران تلاش از این نمونه انجام می‌دهند.

وظیفه‌ی هرکدام از زن و مرد است که این محبت خدادادی را نگه دارند. «انس با همسر» در خانواده شور و نشاطی پدید می‌آورد که هیچ‌چیز دیگری جای آن را نمی‌گیرد. اگر همان‌طور که خداوند تعیین فرموده است همسران به حقوق یکدیگر احترام بگذارند آن محبت اولیه باقی می‌ماند (طاهرزاده، ۱۳۸۷: ۱۸۱).

ماهیت خانواده، ایجاد کردن فضایی برای سکنی‌گزیدن است، و در نتیجه‌ی آن است که انسانیت خود را می‌سازد و قادر به تفکر است و رشد می‌کند. در غیراین صورت دچار اضطراب و روزمرگی می‌شود.

اگر این فضا ویران شد دیگر هیچ‌کس با حضور در خانه احساس عبادت نمی‌کند. زن همین که مدت کمی در خانه می‌ماند، خسته می‌شود؛ چون فضا طوری نیست که احساس عبادت کند و بتواند وصل به آسمان باشد و سکینه‌ی لازم برایش ایجاد شود، به همین جهت ملاحظه می‌کنید زنان امروزه بیش از این که در خانه باشند در کوچه و خیابان‌اند (طاهرزاده، ۱۳۸۷: ۲۰۳). در حالی که انس در ازدواج، تنها عاملی است که سبب اخراج از ظلمت قوه، نقص، رذایل، معاصی و اوهام است و به نور فعلیت، کمال، فضائل، طاعات، تعقل و هدایت می‌شود (میرزایی (لطفی آذر)، ۱۳۸۶: ۱۸۹).



نتیجه

زن آیت حق و نشانه‌ی قدرت و حکمت خداوند متعال است و جلوه‌ای از جمال الهی را به نمایش گذاشته است. زن مظهر مهر و محبت و عاطفه است و این صفات اساس همسررداری و تربیت نسلی صالح و رشد خانواده می‌باشد.

زیبایی ازدواج در این است که انسان با حرکت در مسیری که خدا برای او مقرر کرده می‌تواند نقص‌هایش را برطرف نماید و بسیاری از کمالات و استعدادهای درونی خود را ظهور دهد. با ازدواج صفاتی از جمله صبر، ایثار، تحمل، صداقت، خالقیت و رزاقیت در انسان ظهور می‌کند.

در عصر مدرن امروز که حرکات بشر بر پایه‌ی امانیسم شکل می‌گیرد، تعریف درست برای جایگاه زن باید برپایه‌ی الگوگیری از خصلت‌های فاطمه زهرا علیها السلام باشد. در این راستا هر کدام از زن و مرد باید وجوهی از ابعاد شخصیت خود را در راستای احیاء خانواده از فردیت خارج کنند. زن با پذیرش تمناهای مرد، خوب همسررداری کردن و رعایت حقوق مرد، در دل او نفوذ کرده و در اداره‌ی خانواده اثرگذار است و در عین حال مرد را در انجام مسئولیت اداره خانواده یاری می‌رساند. زن مسئول اداره‌ی داخلی خانواده است و داشتن درآمد اقتصادی به وسیله‌ی کار کردن در بیرون خانواده، به خودی خود برای او ارزش به حساب نمی‌آید بلکه مهم‌تر از داشتن هرگونه حقوق و مزایای اجتماعی و ارزش‌های مادی و عادی آن است که زن در عین فراگیری علم دین، پرورش نسل آینده و انسان‌های واقعی و امت اسلامی، مدیریت داخلی خانواده که رکن اصیل جامعه‌ی اسلامی است را به عهده بگیرد.

گمشده‌ی جهان معاصر خانواده‌ی توحیدی است. حفظ خانواده با انس گرفتن با یکدیگر و درک آسمان غیب و انتظار برکات عالم قدس پدید می‌آید، و این‌که هریک از اعضاء سعی نماید خود را



دفتر مطبوعاتی مجلس شورای اسلامی
دوستان عزیزان! در آموزه‌ها و آداب سنت

دائماً در حضور حق احساس کند. در چنین خانواده ایست که در زیر سایه‌ی آن سربازان انقلاب جهانی اسلام ساخته می‌شوند.

در چنین خانواده‌ای مرد خانواده به کمک مشاوره صادق و دقیق و دلسوز یعنی همسرش، هیئت مرکز توحیدی خانواده را پایه‌گذاری می‌کند. پس عامل برپا داشتن خانواده‌ی اصیل، داشتن روح بندگی است. در خانواده‌ی توحیدی خداست که حاکم است و این رمز یگانگی در خانواده و سکنی یافتن اعضای آن است. پس زن و مرد باید دست در دست هم برای رسیدن جامعه به افق‌های متعالی، نسبت به ایجاد جایگاه حقیقی یکدیگر نهایت تلاش خود را به کار ببندند.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه (۱۴۱۴): قم: هجرت، چاپ اول.

ابن بابویه، محمد ابن علی. (۱۳۷۶): "امالی للصدوق"، تهران: ناشر کتابچی، چاپ ششم.

امینی، ابراهیم. (۱۳۸۸): "همسررداری"، قم: مرکز چاپ و نشر حوزه علمیه قم، چاپ بیست و هفتم.

پاینده، ابوالقاسم. (۱۳۶۳): "نهج الفصاحه"، تهران: ناشر دنیای دانش، چاپ چهارم.

پیرو، صدیقه. (۱۳۹۳): "روش‌های کاربردی رفتار با شوهر"، تهران: رسانه تخصصی، چاپ اول.

جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۷): "زن در آینه جلال و جمال"، قم: نشر اسراء، چاپ هفدهم.

حسن زاده آملی، حسن. (۱۳۹۰): "فص فاطمییه"، تهران: ناشر الف میم لام، چاپ پنجم.

خامنه‌ای، سیدعلی. (۱۳۸۸): "بروید با هم بسازید"، تهران: نشر سروش ملل، چاپ پنجم.

خمینی، روح الله. (۱۳۷۸): "صحیفه نور"، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ دوم.

ساروخانی، باقر. (۱۳۸۴): "زن، قدرت و خانواده"، مجله "زن در توسعه و سیاست"، شماره ۱۲، صفحه: از ۲۹ تا ۵۰.

طاهرزاده، اصغر. (۱۳۸۷): "زن، آن‌گونه که باید باشد"، اصفهان: انتشارات لب‌المیزان، چاپ اول.

قضاعی، محمد بن سلامه. (۱۳۶۱): "شرح فارسی شهاب الأخبار"، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول.



دفتر نشر و مکتب‌خانه مجلس شورای اسلامی
دفتر انتشارات ارمان طوبی

- قیصری، داوود بن محمود. (۱۴۱۶ ق): "شرح فصوص الحکم": انوار الهدی، چاپ اول.
کلینی، محمد ابن یعقوب. (۱۴۰۷): "کافی"، تهران: ناشر دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم.
گارودی، روزبه. (۱۳۷۹): "زنان چگونه به قدرت می‌رسند"، تهران: ناشر پرشکوه، چاپ دوم.
گری، جان. (۱۳۸۱): "باهم برای همیشه"، تهران: نشر پیکان، چاپ پنجم.
مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۱): "جامی از زلال کوثر"، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ دوم.
مطهری، مرتضی. (۱۳۸۵): "تعلیم و تربیت در اسلام"، تهران: نشر صدرا، چاپ پنجاهم.
مطهری، مرتضی. (۱۳۸۸): "نظام حقوق زن در اسلام"، تهران: نشر صدرا، چاپ پنجاه و یکم.
مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴): "تفسیر نمونه"، تهران: دار الکتب الإسلامیه، چاپ اول.
مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۳): "ترجمه قرآن (مکارم)"، قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، چاپ دوم.
میرزایی (لطفی آذر)، فاطمه. (۱۳۸۶): "آیین زندگی"، تهران: انتشارات پرتو واقعه، چاپ اول.
میرزایی (لطفی آذر)، فاطمه. (۱۳۹۰): "جمال مستور"، تهران: انتشارات ارمان طوبی، چاپ اول.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی